

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری

محمدعلی رضایی اصفهانی*

چکیده

تعبیر «نُزُلَتْ» - که در روایات تفسیری ذیل آیات مهدویت آمده - گاهی به معنای تطبیق آیه بر مورد غیر شأن نزول، گاهی به معنای تأویل و بطن آیه و گاهی نیز به معنای تفسیر آیه است. روایات تفسیری مهدویت در ذیل سیصد و بیست و چهار آیه آمده است. این آیات را می‌توان چهار دسته کرد: آیاتی که تفسیر آن در مورد مهدویت است، مثل آیات اظهار دین (توبه / ۳۳) و آیه رفع فتنه از جهان (لفال / ۳۹)؛ آیاتی که بر اساس روایات تفسیری، بر مهدویت تطبیق شده است، مثل ایام الله (برلهمیم / ۵) و بقیة الله (هود / ۸۶)؛ آیاتی که تأویل و بطن آن در مورد مهدویت است، مثل حروف مقطعه حم، عسق (شوری / ۱) و ۲؛ آیاتی که بر اساس احادیث تفسیری، مرتبط با مهدویت است، مثل تشبیه جریان مهدویت به جریان طلوت و جلوت (بقره / ۲۴۹) از بررسی آیات و روایات این نتیجه به دست می‌آید که آیات و روایات تفسیری مهدویت دلالت و اعتبار یکسانی ندارند و گاه به موضوعهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و تاریخی مهدویت اشاره دارند.

واژگان کلیدی

آیات مهدویت، روایات مهدویت، بطن، تأویل جری و تطبیق.

rezaee@quransc.com

*. دانشیار گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه.

تاریخ تأیید: ۸۹/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۳

طرح مسئله

آینده روشن بشریت در پرتو منجی آخرالزمان از موضوعاتی است که در ادیان الهی مطرح بوده است. (بنگرید به: کتاب مقدس، ۱۹۸۷ و ۱۹۳۲ م، مزامیر، زمزمور ۳۷، ش ۱۸ - ۹ و زمزمور ۹۶، ش ۱۳ - ۱۰؛ ملحقات عهد جدید، نلمه دوم به پولوس، باب سوم؛ اوپانیشادها (کتاب مقدس هندوها)، ۷۳۷؛ کتاب جلماسب (زرتشتی‌ها)، نلمه ۲۱)

مسئله مهدویت در اسلام نیز در روایات شیعه و سنی آمده است (مجلسی، ۱۳۸۵: ۱۳) حتی در برخی روایات نام و مشخصات مهدی آل محمد ﷺ آمده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹) البته در قرآن کریم نام «مهدی» (محمد بن الحسن ﷺ) به صورت صریح نیلمده است؛ بلکه نام هیچ کدام از امامان ﷺ به خاطر حکمت‌های خاصی بیان نشده است، از جمله اینکه: اولاً. قرآن در پی نام بردن از صحابه و بستگان پیغمبر ﷺ نبوده؛ مگر در موارد استثنائی، مثل داستان زید (احزاب / ۳۷) و ابولهب (مسد / ۱) که برای بیان مطلبی (همچون حکم ازدواج زید و نفرین بر ابولهب) نام آنها ضرورت داشت که بیاید، از این‌رو در موارد متعددی، مطالب مربوط به زنان پیغمبر و منافقان در قرآن آمده است؛ ولی نلمی از آنها برده نشده است. (سوره تحریم، منافقین و...)

ثانیاً. نام بردن از افراد، موجب انگیزش حب و بغض‌ها و زمینه‌ساز تحریف قرآن می‌شود. ثالثاً. امام صادق ﷺ در پاسخ به طیل نیلمدن نام امام علی و اهل بیت ﷺ در قرآن، به نماز اشاره کرد که حکم آن در قرآن نازل شده، ولی از سه یا چهار رکعت بودن آن نلمی به میان نیلمده است تا خود رسول خدا ﷺ برای آنان تفسیر کند (فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۲ / باب ۳۰) ولی در احادیث و تفاسیر، سیصد و بیست و چهار آیه مرتبط با وجود مقدس امام عصر ﷺ شمرده شده است که البته دلالت‌های آنها و نیز اعتبار احادیث تفسیری آنها یکسان نیست. در این نوشتار می‌خواهیم این آیات را بیان و دسته‌بندی و شیوه‌های برداشت از آنها را بررسی کنیم.

در این راستا به روایت‌های ذیل آیات اشاره و بعد از بیان فهرست کلی آیات، برخی از مهم‌ترین آنها را در هر دسته بررسی می‌کنیم.

الف) مفهوم‌شناسی

۱. قرآن: مقصود از قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است که شش هزار و دویست آیه دارد و به صورت متواتر از پیامبر ﷺ به ما رسیده و تحریف نشده است و در عصر کنونی بیشتر با قرائت حفص از عاصم منتشر می‌شود.

۲. مهدویت: مقصود اعتقاد به منجی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند و بشر را نجات می‌دهد این منجی در ادیان الهی و اسلام مطرح شده و در شیعه با نام محمد بن الحسن (ع) و لقب‌هایی مثل «مهدی آل محمد (ع)» به عنوان دوازدهمین امام معصوم (ع) مشخص شده است.

۳. تفسیر: در اصل به معنای کشف و پرده‌برداری است و در اینجا به کشف معانی و اژمه‌ها و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست. به عبارات دیگر، تبیین مراد استعملی آیات و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره مورد نظر است.^۱

۴. تأویل: در اصل به معنای بازگشت دادن است و گاهی به معنای توجیه متشابه، و معنای خلاف ظاهر لفظ می‌آید که به وسیله قرینه حاصل می‌شود. (برای واژه تأویل بیش از ده معنای استعملی بیان شده است که در اینجا دو معنایی که در متن مقصود ماست، بیان شد (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۳۳۲: ماده اول؛ طبرسی، ۳۹۵: ۳ / ۱۳؛ سیوطی، ۴۰۷: ۲ / ۹۲؛ ذهبی، بی‌تا: ۱ / ۱۳؛ معرفت، ۴۲۸: ۳ / ۲۸) همان‌طور که گاهی به معنای باطن نیز می‌آید (معرفت، ۴۲۸: ۳ / ۲۸؛ همو، ۴۲۵: ۱ / ۲۱) البته در قرآن گاهی به معنای تعبیر خواب (یوسف / ۶) و تحقق خارجی عینی مطلب (یوسف / ۱۰۰؛ اعراف / ۵۳) نیز می‌آید.

۵. بطن: در اصل به معنای پوشیده و غیرظاهر است، و در اینجا مقصود معنایی از قرآن

۱. در مورد تفسیر، معانی لغوی و اصطلاحی متعددی بیان شده است. در اینجا سخن لغوی‌ها و برخی ارباب تفسیر و صاحب‌نظران بیان شد (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۳۳۲؛ طباطبایی، ۳۹۳: ۱ / ۴؛ سیوطی، ۴۰۷: ۲ / ۹۲؛ طبرسی، ۳۹۵: ۱ / ۳؛ نگارنده، ۳۸۵: ۲۳؛ همو، ۳۸۳: ۳۹ - ۳۵؛ طباطبایی و دیگران، بی‌تا)

است که از ظاهر کلام به دست نمی‌آید و گاهی در احادیث بیان شده است. (مجلسی، ۳۸۵: ۹۲ / ۹۷) برخی صاحب‌نظران آن را به معنای قاعده کلی، برگرفته از آیه می‌دانند که با الگوی خصوصیت به دست می‌آید. (معرفت، ۳۸۳: ۱ / ۳۰؛ همو، ۴۲۵: ۱ / ۲۱)

برای واژه «بطن» معانی دیگری نیز بیان شده است، ولی ما در اینجا معنایی را بیان کردیم که در متن مقصود ماست. (بنگرید به: طباطبایی، ۳۹۳: ۳ / ۶۵ - ۴۴؛ شاکر، ۳۸۲: بحث بطن؛ رضایی اصفهانی، ۳۸۷: مبحث بطن)

۶. تطبیق (جری): در اصل به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است، مثل وقتی که «انسان» را بر «عباس» اطلاق و تطبیق می‌کنیم. از این شیوه در روایات تفسیری استفاده شده و در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است. امام محمد باقر علیه السلام در این زمینه فرمودند:

ظهره تنزیله و بطنه تأویله منه ما قد مضی
و منه مالم یکن یجری کما یجری الشمس و القمر . (مجلسی، ۳۸۵: ۹۲ / ۹۷)

گاهی هم از آن با عنوان قاعده «جری و تطبیق» یاد می‌شود. (طباطبایی، ۳۹۳: ۱ / ۴۱)
۷. واژه «نُزِلَتْ»: در اصل به معنای نزول آیات قرآن در مورد حادثه یا واقعه خاص است و بیشتر در مورد شأن نزول‌های قرآن به کار می‌رود؛ هر چند که گاهی در مورد قصه‌های گذشته و بیان حکم و تکلیف شرعی دائمی نیز می‌آید. (معرفت، ۴۲۸: ۱ / ۲۵۴؛ بحرانی، ۳۳۴: ۱ / ۳۱ و ۳۲) این واژه در احادیث تفسیری مهدویت در چند معنا به کار می‌رود:

یک. به معنای تطبیق یک آیه خاص بر غیر شأن نزول آن: در حدیث، آیه‌ای بر یکی از مسائل مهدویت تطبیق و از تعبیر «نزلت» استفاده می‌شود. برای مثال: در مورد آیه «أَمِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» (نمل / ۶۲) بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی را که درمانده، هنگل می‌که او را می‌خواند، اجابت می‌کند و (گرفتاری) بدی را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می‌دهد؟! آیا معبودی با

خداست؟! چه اندک متذکر می‌شوید»، از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «نزلت فی القائم ...» (مفید، ۴۱۳: ۳۲۸؛ مجلسی، ۳۸۵: ۲ / ۳۶۹)؛ در حلی که آیه مطلق است و شامل هر فرد مضطر می‌شود؛ ولی در روایت بر یکی از مصادیق کمال یا مصداق اکمل تطبیق شده است.

دو. گاهی تعبیر نزلت به معنای تأویل و بطن آیه به کار می‌رود. برای مثال در مورد آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک / ۳۰) بگو: آیا به نظر شما، اگر آب (سرزمین) شما [در زمین] فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟!»، امام باقر علیه السلام فرمود:

هذه نزلت في القائم يقول: إن أصبح إمامكم غائباً لا تدرون أين هو فمن يأتيكم بإمام ظاهر يأتيكم بأخبار السماء والارض وحلال الله و حرامه؟ ثم قال عليه السلام: و الله ما جاء تأويل هذه الآية ولا بُد أن يجئي تأويلها. (صدوق، ۳۹۵: ۱ / ۳۲۵؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۵۲)

در حلی که ذیل حدیث سخن از تأویل (و بطن) آیه است؛ اما در صدر حدیث تعبیر «نزلت» به کار رفته است، پس مقصود از نزول در اینجا بیان بطن و تأویل آیه است. سه. واژه «نزلت» گاهی به معنای تفسیر آیه می‌آید؛ همان‌گونه که در مورد آیه پنجاه و پنج سوره نور: «وَعَدُ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خدا به کسانی از شما را که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «نزلت فی القائم و اصحابه» (مفید، ۴۱۳: ۲۴۷) که تنها تفسیر آیه مربوط به امام عصر علیه السلام و یاران ایشان است.

(ب) پیشینه

در مورد آیات مهدویت در منابع تفسیری و حدیثی شیعه و اهل سنت مطالبی آمده است، از

تفاسیر اهل سنت می‌توان به تفسیر قرآن کریم ابن کثیر (۷۷۴ ق) (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۶۱۵ و ...) و از تفاسیر شیعه: تفسیر مجمع البیان، تفسیر عیاشی، تفسیر نور الثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی، المیزان فی تفسیر القرآن، تفسیر نمونه، تفسیر قرآن مهر، و... اشاره کرد. بعد از این تفاسیر کتابها و مقاله‌های مستقل متعددی در این مورد نوشته شده است.^۱

۱. از جمله:

- *المحجة فيما نزل في القائم الحجة*، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، مهدی حائری قزوینی، با عنوان سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، تهران، ۱۳۷۴، آفاق در این کتاب ۱۲۰ آیه به ترتیب نزول و روایات آنها جمع‌آوری شده است.
- *معجم احادیث الامام المهدي* علیه السلام، مؤسسة المعارف الاسلامیه، الجزء السابع، الآیات المفسر، تحت اشراف شیخ علی الکوثرانی، ۱۴۱۱ ق، جامع‌ترین کتاب در این زمینه است که بیش از ۳۰۰ آیه را جمع کرده است، ولی آیه ۱۸ سوره محمد را ذکر نکرده است.
- *موسوعة المصطفى و العترة*، ج ۱۶، (المهدي المنتظر)، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰ ق.
- *سیمای امام زمان علیه السلام در آئینه قرآن*، علی‌اکبر مهدی‌پور.
- *الامام المهدي في القرآن و السنة*، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق، مشهد، آستان قدس رضوی. در این کتاب آیات مهدویت طبق سوره‌ها تا آخر قرآن با روایات آمده است.
- *امام مهدي از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور*، محمدبقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی، گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار).
- *المهدي في القرآن (موعود قرآن)*، سید صادق حسینی شیرازی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، تهران، ۱۳۶۰، فارسی و عربی. در این کتاب ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر علیه السلام از منابع اهل سنت نقل شده است.
- *حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت*، محمود شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۷۹، قم، دارالصادقین. مجموعه آیات قرآن درباره مهدی علیه السلام با روایات آمده است.
- *ملاحم القرآن*، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، مؤلف. این کتاب پیش‌گویی‌های قرآن و روایات در مورد نشانه‌های ظهور است.
- *طريق الي المهدي علیه السلام المنتظر*، سید ایوب، بیروت، الغدير، ۱۹۹۸ م. آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد بررسی شده است.
- *سوره والعصر*، حضرت امام زمان علیه السلام است، عباس راسخی نجفی، قم، قیام، ۱۳۷۲.
- *المهدي الموعود في القرآن الكريم*، محمدحسین رضوی، دارالهادی،

ج) فهرست اجمالی آیات مهدویت

در مجملع حدیثی سیصد و بیست و چهار آیه قرآن با احادیث مربوط ذکر شده که مرتبط با مهدویت است.^۱

۲۰۰۱ م.

- پور پنهان در *افق قرآن حضرت مهدی (عج)*، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸.

- غریب غیب در *قرآن*، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.

- اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفایی کاشانی، تهران، مفید ۱۳۷۶.

- *القرآن يتحدث عن الامام المهدي (عج)*، مهدی حسن علاءالدین، بیروت، دارالاسلامیه.

- *ثورة المواطنين للمهدي (عج)*، مهدی حمد فتلاوی، بیروت، دارالبلاغه، ۱۹۹۳ م.

- *مهدی (عج) در قرآن*، رضا فیروز، تهران، رایحه، ۱۳۷۸.

- *مهدویت از نظر قرآن و عترت*، خیرالله مردانی، تهران، آیین جفری، ۱۴۰۱ ق.

- *چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر (عج)*، معاونت امور فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

- *سیمای مهدویت در قرآن*، محمد جواد مولوی نیا، قم، امام عصر (عج)، ۱۳۸۱.

- *آیات الباهرة في بقية العترة الطاهرة او تفسير آیات القرآن في المهدي صاحب الزمان (عج)*، سید داود میرصابری، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق.

- *مهدی در قرآن*، محمد عابدین زاده، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج) موعود، ۱۳۸۰.

- *سیمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه*، عباس کمساری، قم، مؤسسه فرهنگی سعادت، ۱۳۸۱.

- *سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن*، سید جواد رضوی، بوشهر، موعود اسلام، ۱۳۸۲.

- *بحار الانوار*، علامه مجلسی، ج ۱۳، به فارسی ترجمه شده، و بسیاری از آیات و روایات مهدویت را جمع آوری کرده است.

در ضمن لوح فشرده «کتابشناسی منابع اسلامی درباره امام عصر (عج)» و لوح فشرده «در آینه قلم» محصول پایگاه اطلاع رسانی پارسا، با هشت هزار جلد مأخذ، شامل کتاب، مقله و پایان نامه در این زمینه راهگشاست. لوح فشرده «نورالولاية» نیز که متن کامل صد و بیست و شش جلد کتاب از منابع مهم مهدویت را گردآوری کرده، قابل استفاده است.

۱. فهرست آیاتی که در احادیث مرتبط با مهدویت معرفی شده، بدین قرار است:

البته باید گفت که ارزش و دلالت این آیات با مباحث مهدویت یکسان نیست. (بنگرید به: *الهيئة العلمية من مؤسسة المعارف الاسلامية*، ۱۴۲۸: الجزء السابع؛ و کتب تفسیر روایی، مثل البرهان، نور الثقلین، صافی، نمونه و ...) *یادآوری:* در برخی مجامع روایی و تفاسیر قرآن، آیات دیگری را مربوط به مباحث مهدویت دانسته‌اند؛ ولی با بررسی‌های به عمل آمده روشن شد که برخی از این موارد از *معصومان* نقل نشده یا نسبت دادن آنها به *معصومان*  مشکوک است.

برای مثال ذیل حج / ۶۰ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۸۷/۲) *الهيئة العلمية* ...، ۱۴۲۸: ۷/۳۸۳) و صف / ۱۳ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۳۶۶/۲) *الهيئة العلمية* ...، ۱۴۲۸: ۷/۶۰۳)، تفسیر قمی آیه‌ها را مربوط به مهدویت دانسته است؛ در حالی که به ظاهر، تعبیر از صاحب تفسیر است نه امام معصوم و در یونس / ۵۰ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۳۱۲/۱) *الهيئة العلمية* ...، ۱۴۲۸: ۷/۲۴۶)، از ابوالجوارود نقل شده است که معتبر

حمد / ۷ - ۱؛ بقره / ۳، ۳۷، ۱۱۴ و ۱۱۵، ۱۱۳، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷، ۲۱۰، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۹؛ آل عمران / ۳۷، ۴۶، ۸۱، ۸۳، ۹۷، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۲۰۰؛ نساء / ۵۹، ۶۹، ۷۷، ۱۳۰، ۱۵۹؛ مائده / ۳، ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۵۴، ۱۱۸؛ اعداء / ۲، ۳۷، ۴۴ و ۴۵، ۶۵، ۵۸؛ اعراف / ۴۶، ۵۳، ۷۱، ۹۶، ۱۲۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۷؛ انفال / ۷ و ۸، ۳۹، ۷۵؛ توبه / ۳، ۱۶، ۳۴ - ۳۲، ۳۶، ۵۲، ۱۱۱، ۱۱۹؛ یونس / ۲۴، ۳۵، ۳۹، ۵۰، ۹۸؛ هود / ۸، ۱۸، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۱۱۰؛ یوسف / ۱۰؛ رعد / ۷، ۱۳، ۲۹؛ ابراهیم / ۵، ۲۸، ۴۵، ۴۶؛ حجر / ۱۶ و ۱۷، ۳۸ - ۳۶، ۷۵ و ۷۶؛ نحل / ۱، ۲۲، ۳۳، ۳۴، ۴۰ - ۳۸؛ اسراء / ۷ - ۵، ۳۳، ۷۱ و ۷۲؛ کهف / ۴۷، ۹۸؛ مریم / ۳۷، ۵۴، ۷۵، ۷۶؛ طه / ۱۱۵، ۱۲۳ و ۱۳۴، ۱۳۵؛ انبیاء / ۱۲ و ۱۳، ۳۵، ۷۳، ۹۵، ۱۰۵؛ حج / ۳۹، ۴۱، ۴۷، ۶۵؛ مؤمنون / ۱، ۱۰۱؛ نور / ۳۵، ۵۳، ۵۵؛ فرقان / ۱۱، ۲۶، ۵۴، ۷۶ - ۶۳؛ شعراء / ۴، ۲۱، ۲۰۷؛ روم / ۵ - ۱؛ لقمان / ۲۰؛ سجده / ۲۱، ۲۹، ۳۰؛ احزاب / ۱۱، ۶۱، ۶۲؛ سبأ / ۱۸، ۲۸، ۵۱؛ فاطر / ۴۱؛ یس / ۳۰، ۳۳، ۵۲؛ صافات / ۸۳ و ۸۴ ص / ۱۷؛ زمر / ۶۹؛ غافر / ۱۱، ۵۱؛ فصلت / ۳۰، ۳۴، ۵۳؛ شوری / ۱، ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۴۱ و ۴۲، ۴۵؛ زخرف / ۲۸، ۶۱، ۶۶؛ دخان / ۳ و ۴؛ محمد / ۴، ۱۷ و ۱۸؛ فتح / ۲۵؛ ق / ۴۱ و ۴۲؛ ذاریات / ۲۲؛ طور / ۳ - ۱، ۴۷؛ نجم / ۵۳؛ قمر / ۱، ۶؛ الرحمن / ۴۱؛ واقعه / ۱۰ و ۱۱؛ حلیل / ۱۶ و ۱۷، ۱۹؛ صف / ۸ و ۹؛ تغابن / ۱۲؛ ملک / ۳۰؛ قلم / ۱۵؛ معارج / ۱ و ۲، ۴۴؛ جن / ۱۶، ۲۴؛ مثر / ۱ و ۲، ۴، ۱۶ - ۱۹، ۲۰، ۴۰، ۴۸؛ نازعات / ۱۴ - ۱۲؛ عیس / ۲۳، ۱۷؛ تکویر / ۱۵ و ۱۶؛ انشقاق / ۱۹؛ بروج / ۱؛ طارق / ۱۷ - ۱۵؛ غاشیه / ۴ - ۱؛ فجر / ۴ - ۱؛ شمس / ۱۵ - ۱؛ لیل / ۲۱ - ۱؛ قدر / ۵ - ۱؛ یس / ۵؛ تکویر / ۳ و ۴، ۸؛ عصر / ۳ - ۱.

نیست. در طه / ۱۱۳ - ۱۱۰ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۵؛ الهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۳۵۰)، عنکبوت / ۱۰ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۴۹؛ الهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۴۶۷) و جن / ۲۶ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۹۱؛ الهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۶۱۹) با تعبیر «قال» نقل شده و استناد آن به معصوم روشن نیست. در کتب معجم الاحادیث المهدی، آنها را در ردیف آیات مفسر ذکر کرده است. برخی روایات مهدویت نیز از ابن عباس نقل شده است، مثلاً در مورد آیه ۵۹ سوره نمل از ابن عباس حکایت شده است که اهل بیت علیهم السلام صفة الله هستند (الهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۴۳۵)

عجیب اینکه برخی موارد از کتب الاخبار نقل شده است که از نقلان اسرائیلیات بود و روایات او نزد شیعه و سنی بی اعتبار است. برای مثال ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران (الهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۷۸) و ذیل آیه ۴۷ سوره حج (همان: ۳۸۱؛ صلوق، ۱۴۱۶: ۲ / ۴۷۴ و ۴۷۵) از کتب الاخبار روایتی نقل شده؛ در حلی که به پیلمبر رحمته الله علیه نیز نسبت داده نشده است. روشن است که نقل این اخبار، ضعیف و مرسل موجب وهن آیات مهدویت می شود؛ از این رو ما این آیات را در فهرست آیات مهدویت ذکر نکردیم.

د) تقسیم بندی آیات مهدویت

آیات مهدویت از منظرهای مختلف قابل تقسیم بندی است. می توان آنها را از منظر روش شناختی، موضوعی، تاریخی و ... دسته بندی کرد؛ اما توجه ما در این نوشتار «روش شناسی فهم آیات با توجه به روایات تفسیری» است؛ یعنی به این آیات و روایات از دیدگاه روش ها و قواعد تفسیری نظر می کنیم.

تقسیم های مختلفی در مبحث مبانی، قواعد و روش های فهم و تفسیر قرآن صورت گرفته است (ر.ک به: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵) که بر اساس آنها می توان روایات تفسیری را دسته بندی کرد؛ از جمله اینکه یک دسته از روایات تفسیری، مصادیق آیه را بیان می کند و دسته دیگر تأویل و بطن و دسته سوم تفسیر آیه را روشن می سازد. این تقسیم بندی ها در روایات تفسیری آیات مهدویت نیز جاری است.

۱. تفسیر آیات در مورد مهدویت

برخی احادیث تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است، مفاهیم و مقاصد آیات را توضیح می‌دهد؛ یعنی به نوعی تفسیر اصطلاحی آیه را بیان می‌کند در اینجا به برخی از مهم‌ترین این آیات اشاره می‌شود:

یک. آیات اظهار (تسلط دین اسلام بر ادیان الهی)

منظور آن دسته از آیاتی است که تسلط نهایی دین اسلام بر ادیان الهی را نوید می‌دهند؛ ولی هنوز تحقق نیافته است و تنها تفسیر آن در مورد مهدویت صادق است. این آیات با تعبیر مشابه در چند سوره تکرار شده است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.
(توبه / ۳۳؛ صف / ۹)

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها [پرویز گرداند؛ و گرچه مشرکان ناخشنود باشند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا. (فتح
/ ۲۸)

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها [پرویز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است.

از امام صادق (ع) در مورد آیه ۳۳ توبه و ۹ صف نقل شده است که فرمود:

إذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم و
لا كافر الا كره خروجه لو كان في بطن صخرة
لقال الصخرة يا مؤمن في مشرك فاكسرني
واقطعه. (کوفی، ۴۱۰: ۱۸۴؛ عیاشی، بی تا: ۲ / ۸۷، ح ۵۲)

هنگامی که امام زمان (عج) قیام کنند، هیچ مشرک به خدای بزرگ و کافری نمی‌ماند؛ مگر آنکه از قیام امام زمان (عج) ناراحت است. و اگر بر فرض در دل سنگی مخفی شوند، آن سنگ ندای دهد که ای مؤمنان مشرکی اینجا نیست، مرا

بشکنید و او را بکشید.

در برخی احادیث از امام صادق (ع) حکایت شده است که در مورد آیه فرمود:

والله ما نزل تأويلها بعد، قلت: جعلت فداك و
متي ينزل تأويلها؟ قال: حين يقوم القائم
إن شاء الله (بجوامع، ۴۲۰: ۳ / ۳۸۲، ح ۴۳۴)

به خدا سوگند که تفسیر این آیه هنوز نیلمده است. پرسیدم: فدایت شوم تفسیر
آیه چه موقع تحقق می‌یابد. فرمود: هنگامی که قائم مایا قیام کند ان شاء الله... .

واژه «تأویل» در این روایت بمعنای تحقق خارجی عینی است، پس مفاد آیات پیشین در
مورد «پیروزی نهایی اسلام بر تمام ادیان از صدر اسلام تاکنون» تحقق نیافته است، پس
مقصود آیه، زمان امام عصر (ع) است که دین اسلام به دست او بر همه ادیان پیروز می‌شود؛
بنابراین تفسیر آیه (نه تأویل اصطلاحی به معنای بلطن یا معنای خلاف ظاهر آیه) و مقصود
آیه، زمان امام عصر (ع) است.

مشابه روایت فعلی از اهل سنت نیز حکایت شده است، از این رو برخی مفسران اهل
سنت تحقق آیه را هنگام خروج مهدی دانسته‌اند^۱

دو. آیه رفع فتنه از جهان

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ
لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. (لفال /
۳۹)

و با آن (کافر)ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسره از آن خدا
باشد؛ و اگر آنان (به کفر) پایان دهند، پس در وقوع خدا به آنچه انجام می‌دهند،
بیناست.

۱. قال السدی: و ذلك عند خروج المهدي. (ثعلبی، ۴۲۲: ۵ / ۳۶؛ رازی، ۴۱۱: ۱۶ / ۴۰؛ قرطبی،
۴۰۵: ۸ / ۲۱؛ ثعلبی، نسخه خطی: ۳۰۵ / ۵) و مشابه این روایت از ابی سعید الخدری از پیلمبر (ع) نقل
نقل شده است. (میبدی، ۳۷۶: ۴ / ۱۱۹)

از امام صادق (ع) در مورد این آیه پرسش شد، فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعْدَهُ سِيرِي مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لِيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ (ص) مَا بَلَغَ الدَّلِيلُ، حَتَّى لَا يَكُونَ شَرَكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ. (عیاشی، بی تا: ۵۶ / ۲، ح ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ۳ / ۵۴۳)

در حقیقت تأویل این آیه هنوز نیلمده است و اگر قائم ماقیام کند، بعد از آن است که هر کس او را درک کند، تأویل این آیه را می بیند و دین محمد (ص) به نهایت می رسد تا اینکه شرک بر روی زمین نخولهد بود؛ همان گونه که خدا فرموده است.

واژه «تأویل» در این روایت نیز به معنای تحقق عینی خارجی است (نه تأویل اصطلاحی به معنی بلطن یا خلاف ظاهر آیه) و روشن است که از صدر اسلام تاکنون فتنه ها کم و بیش وجود داشته و دین اسلام بر جهان مسلط نشده است و این مطلب که تفسیر آیه است، در زمان امام عصر (ع) تحقق می یابد.

آلوسی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز ذیل آیه اشاره می کند که تأویل آیه هنوز محقق نشده است و تأویل آن هنگام ظهور مهدی خواهد آمد که بر روی زمین هیچ مشرکی نخواهد ماند. (آلوسی، ۱۴۰۵: ۹ / ۱۷۴)

سه. وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (نبیاء / ۱۰۵)

و به یقین، در زبور بعد از آگاه کننده (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.

از امام باقر (ع) حکایت شده است:

الكتب كلها ذكر، و أن الأرض يرثها عبادي الصالحون. قال: القائم (ص) و أصحابه. (طبرسی،

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری □ ۱۲۵

۱۳۹۵: ۴ / ۶۶؛ کاشانی، ۱۳۴۶: ۶ / ۲۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۹؛
مجلسی، ۱۳۸۵: ۹ / ۲۶)

همه کتابهای آسمانی مصداق ذکرند و مقصود از این آیه، امام عصر علیه السلام و یاران
حضرت است.

آلوسی بعد از ذکر اقوال در مورد آیه، به این نتیجه می‌رسد که وراثت زمین و لوازم
آن برای صلحان، در مورد مؤمنان و در عصر حضرت مهدی و نزول حضرت عیسی
است. (آلوسی، ۱۴۰۵: ۱۷ / ۹۵) البته این وعده الهی در زبور داود در کتاب مقدس فعلی نیز
آمده است:

زیرا که شیران منقطع می‌شوند و امامتوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.

(کتاب مقدس، عهد عتیق، زبور داود، مرزور ۳۷، جمله ۹ و ۱۰)

صلحان وارث زمین خواهند بود ... (همان: جمله ۲۹)

در قرآن کریم آمده است:

وَعَدُ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا
يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. (نور / ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده
داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد؛ همان‌گونه که کسانی
را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد و مسلماً، دینشان را که برای آنان
پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد؛ و البته بعد از ترسشان،
(وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می‌کند؛ در حالی که مرام می‌پرستند [و]
هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که در مورد آیه فرمود: «نزلت في القائم

و اصحابه». (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۷؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۵۱ / ۵۸)

این آیه در مورد امام عصر علیه السلام و یاران او آمده است؛ البته مقصود از نزول در این‌گونه

احادیث، همان تفسیر است؛ نه شأن نزول اصطلاحی آیه.

از اهل سنت، ابن کثیر در ذیل آیه با ذکر روایتی که تعداد سرپرستان امت را دوازده نفر معرفی می‌کند، مهدی موعود را یکی از این خلفای عادل معرفی می‌کند که جهان را از عدل پر خواهد کرد. (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۶۱۵)

روشن است که این وعده الهی که در کتابهای آسمانی پیشین و قرآن آمده است و نیز وعده الهی در مورد جانشینی مؤمنان نیکوکار بر همه زمین و حصول امنیت کامل، هنوز تحقق نیافته است و بر اساس روایات تنها در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد.

چهار. قیام امام مهدی علیه السلام از نشانه‌های رستاخیز

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ.
(محمد / ۱۸)

و آیا منتظاری جز (آمدن) ساعت (رستاخیز) دارند که ناگهان به سرافشان می‌آید؟ پس به یقین، نشانه‌های آن آمده است؛ هنگامی که (قیامت) به سراغ آنان می‌آید، پس کجا یادآوری‌شان برای آنان (سود) دارد؟

از پیغمبر صلی الله علیه و آله حکایت شده است:

اگر از دنیا یک روز بقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت مرا بر لگیزد تا زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود. (حویزی، ۳۸۳: ۱ / ۳ / ۴۶۶)

مشابه این حدیث از امام علی علیه السلام حکایت شده است. (صافی گلپایگانی، ۳۷۷: ۱ / ۲۲۳)

این آیه در مورد نشانه‌های رستاخیز است. مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر «اشراط الساعة» نشانه‌های متعددی را ذکر کرده‌اند، از جمله «بعثت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله، شق القمر، دخان و ...» (ر.ک به: سیوطی، ۴۰۳: ۷ / ۴۸۹ - ۴۶۷؛ ابن جوزی، ۳۸۰: ۷ / ۱۹۰؛ صادقی تهرانی، ۴۰۸: ۲۶ / ۱۰۹ و ۱۱۰؛ مکارم شیرازی، ۳۶۴: ۳۱ / ۴۴۹)؛ ولی برخی مفسران شیعه و اهل سنت ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یکی از نشانه‌های رستاخیز شمرده‌اند (صادقی

تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۶ / ۱۱۰؛ مکرم شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۱ / ۴۴۹) و روایات مهدویت را ذیل آیه فوق آورده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۳: ۷ / ۴۸۲، حدود بیست روایت) از جمله روایاتی که اهل سنت ذکر کرده‌اند، احادیثی است که مضمون آن شبیه روایت فوق از پیغمبر ﷺ است:

عن ابن مسعود، قال: قال رسول الله ﷺ: لا تذهب الدنيا أو لاتنقضي الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيت يواطئ اسمه اسمي. (ابن حنبل، ۴۱۵: ۱ / ۳۷۶؛ ترمذی، ۴۲۱: ۴ / ح ۲۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۴۱۱: ۴ / ۴۴۲)

این‌گونه احادیث نشانه‌های رستاخیز را توضیح می‌دهند و نوعی تفسیر آیه به‌شمار می‌آیند.

۲. تطبیق آیات بر مهدویت

در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده‌اند، آیه‌ها بر مصداق یا مصداق اکمل در مسائل مهدویت تطبیق شده‌اند که در اینجا به برخی موارد اشاره می‌شود:

یک. روز قیام امام عصر ﷺ از مصادیق غیب و ایام الله

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ. (بقره / ۳)

(همان) کسانی که به غیب ایمان می‌آورند.

ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ. (إبراهیم / ۵)

روزهای خدا را به آنان یادآوری نما.

عن امیرالمؤمنین ﷺ: الغيب يوم الرجعة و يوم القيامة و يوم القائم و هي أيام آل محمد ﷺ و اليها إشارة بقوله: «ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ». (صديق، ۳۹۵: ۲ / ۳۴۰؛ حافظ برسی، ۲۵۵: ۲۵۳)

از امام علی ﷺ نقل شده است: غیب همان روز رجعت و قیامت و روز امام عصر ﷺ است و آنها روزهای آل محمد است که در آیه «یادآوری روزهای خدا» به آنها اشاره شده است.

واژه «غیب» به معنای چیزی است که از حس پوشیده و پنهان است؛ ولی در این روایت به مصادیق آن اشاره شده است که روز رجعت، قیامت و ظهور امام عصر علیه السلام است؛ البته غیب در تفاسیر قرآن بر مصادیق دیگر مثل «خدا»، «وحی» و «بهشت و جهنم» نیز تطبیق شده است. (طبرسی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱؛ حویزی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۷ / ۷۲؛ طبری، ۱۳۹۳: ۱ / ۱۶۳)

فخر رازی به شیعه اشکال می‌کند که آنان می‌گویند مقصود آیه امام مهدی علیه السلام است؛ ولی تخصیص مطلق لیل، بطلان است (رازی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۸) ولی فخر توجه نکرده است که این روایات از باب تعیین مصداق است، نه تخصیص.

دو. جاری بودن پرستش خدای ابراهیم علیه السلام در مورد امام عصر علیه السلام

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَآلَكَ أَبَائِكَ إِِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُهَا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. (بقره/ ۱۳۳)

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، (شما) شاهد بودید؟! وقتی که به پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، معبود یگانه را می‌پرستیم، و ما تنها تسلیم او هستیم.

در حدیثی نقل شده است که از امام باقر علیه السلام از تفسیر آیه پرسیدند، حضرت فرمود: «جرت فی القائم؛ این آیه در مورد قائم جاری است». (عیاشی، بی‌تا: ۱ / ۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۱ / ۹۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱ / ۳۰۹)

این حدیث به صورت روشن به قاعده جری و تطبیق اشاره دارد؛ یعنی همان‌گونه که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام موحد بودند و خدای ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیدند و به فرزندان خود سفارش می‌کردند و از آنان پرسش می‌کردند (و تعهد می‌گرفتند)، امام عصر علیه السلام نیز همین‌گونه رفتار می‌کند، یا اینکه یکی از مصادیق تسلیم‌شدگان

در برابر خدای متعال (مسلمون) امام عصر علیه السلام است.

سه. امام عصر علیه السلام، بقیة الله

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ. (هود / ۸۶)

ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید؛ و من بر شما نگهبان نیستم.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که امام عصر علیه السلام هنگام ظهور به کعبه تکیه

می‌دهد و سیصد و سیزده یار او گرد می‌آیند و اولین جمله‌ای که می‌فرماید، این است:

بقیت الله خیر لکم إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، ثم یقول:
انّا بقیة الله فی أرضه و خلیفته و
حجته علیکم فلا یُسَلَّمُ علیه مسلم الا قال:
السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه (صدوق،
۳۹۵: ۱؛ ۳۳۰؛ اربلی، ۳۸۱: ۳ / ۳۲۴)

«ذخیره الهی برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید»، من ذخیره الهی در زمین
و جانشین الهی و حجت او بر شما هستم، پس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند؛
مگر اینکه می‌گوید: سلام بر تو ای ذخیره الهی در زمین.

روشن است که اصل این آیه کلام حضرت شعیب علیه السلام است (هود / ۸۷ - ۸۴) ولی
حضرت شعیب علیه السلام یک قاعده کلی را بیان می‌کند که «ذخیره الهی (مثل پیمبران الهی) برای
شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید»؛ ولی طبق این حدیث، امام باقر علیه السلام مفهوم کلی آیه را بر
مصداق خاص یا مصداق کمال آن (امام عصر علیه السلام) تطبیق کرد.

چهار. مضطر بودن امام عصر علیه السلام

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ
وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا
تَذْكُرُونَ. (نمل / ۶۲)

بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که درمانده را، به هنگل می که او را می‌خورد، اجابت می‌کند و (گرفتاری) بد را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می‌دهد؟! آیا معبودی با خداست؟! چه لدک متذکر می‌شوید.

عن الصادق علیه السلام: نزلت فی القائم من آل محمد علیه السلام، هو والله المضطر اذا صلی فی المقام رکعتین ودعا الله فاجابه ویکشف السوء و يجعله خلیفه فی الأرض. (فیض کاشانی، ۴۰۲: ۴ / ۷۱؛ بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۰۸؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۴۸)

در احادیث متعددی از امام بقر علیه السلام (مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۵۹) و امام صادق علیه السلام حکایت شده است که این آیه در مورد قائم آل محمد علیه السلام است: هنگل می که ظهور می‌کند و نزد مقام (نزدیک کعبه) دو رکعت نماز می‌گذارد و دعا و تضرع می‌کند و خدا دعای او می‌پذیرد و مشکل برطرف می‌گردد و ایشان (ظهور می‌کند و) خلیفه الهی در زمین می‌شود (فیض، ۴۰۲: ۴ / ۷۱؛ بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۰۸؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۱ / ۴۸)

واژه نزول در این احادیث به معنای تعیین مصداق است؛ نه شأن نزول اصطلاحی؛ یعنی مفهوم مضطر شامل هر شخصی می‌شود که در اثر مشکل‌ها دچار اضطراب شود و امام عصر علیه السلام یکی از مصداق کمال مضطر در زمان غیبت است. آیات و روایات متعدد دیگری نیز در این باره وجود دارد از جمله:

۱. ذیل آیه «أُذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلُمُوا؛ (حج / ۳۹) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده است، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر اینکه آنان مورد ستم واقع شده‌اند» که به مظلومان اجازه جنگ می‌دهد، این آیه در حدیثی از امام بقر علیه السلام بر امام عصر علیه السلام و یاران او تطبیق شده است. (مجلسی، ۳۸۵: ۲۴ / ۲۲۷)

۲. امام بقر علیه السلام ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران، تعبیر «ابطوا» را بر ارتباط با امام منتظر تطبیق کرد. (مفید، ۴۱۳: ۲۷؛ بحرانی، ۳۳۴: ۱ / ۳۳۴)

۳. ذیل آیه «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده / ۵۴) و خدا در آینده گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند» امام علی (ع) آیه را بر مهدی (عج) تطبیق کرد. (قندوزی، ۱۳۰۸: ۳ / ۳۳۷)

۴. ذیل آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ» (طه / ۱۳۵) پس انتظار بکشید که بزودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است» امام کاظم (ع) «صراط سوی» را بر امام عصر (عج) تطبیق کرد. (بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۵۰؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۴ / ۱۵۰)

۵. ذیل آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵۰) و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم، و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم» در احادیث متعددی از امام باقر و امام صادق (ع) حکایت شده است که ائمه معصومین (ع) «مستضعفون» اند و آیه، مربوط به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر و بر جباران پیروز می‌شود و جهان را از عدل و داد پر می‌کند. (بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۲۲۰؛ طوسی، بی‌تا: ۱۸۴)

روشن است که این‌گونه احادیث مصداق این آیه را بر می‌شمارد و از باب جری و تطبیق است و گرنه اصل آیه در مورد پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان است؛ اما واژه «ترید» که به صورت مضارع آمده است و اراده مستمر الهی را بیان می‌کند، بیان نوعی سنت الهی است که در طول تاریخ جاری بوده است و در هر عصری مصداق جدیدی دارد و قیام امام عصر (عج) از مصادیق کمال آیه است.

۳. تأویل و بطن آیات در مورد مهدویت

برخی روایات تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است، به تأویل آیات اشاره می‌کند؛ البته تأویل به معنای اعم که شامل بطن و معنای خلاف ظاهر آیه نیز می‌شود. در اینجا به

چند مورد مهم اشاره می‌شود.

یک. تأویل حروف مقطعه در مورد مهدویت

حم * عسق . (شوری / ۱ و ۲)

روایات متعددی در منابع شیعه و سنی در مورد دو آیه فوق نقل شده و تأویل این آیات را مربوط به حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۶۰ / ۱۱۹ و ۹۲ / ۳۷۶؛ ثعلبی، بی‌تا: ۳۰۳ / ۸)

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که آیه اشاره به سال‌های امام عصر علیه السلام یا حوادث زمان حضرت و هنگام خروج ایشان در مکه است. (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۶۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۴۲؛ بحرانی: ۱۳۳۴: ۴ / ۱۱۵)

در مورد تفسیر حروف مقطعه، دیدگاه‌های مختلفی بین مفسران قرآن وجود دارد و روایات متعددی نیز نقل شده است، از جمله اینکه این حروف رمزی بین خدا و پیمبر صلی الله علیه و آله است، یا اینکه مربوط به تحدی قرآن است که قرآن به وسیله همین حروف الفبای معمولی ساخته شده؛ ولی معجزه است و ... (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ذیل آیه اول سوره بقره)

دو. باطن حق و باطل

در برخی احادیث تفسیری آیات مهدویت، به صورت صریح از باطن آیات سخن گفته شده است، از جمله در مورد آیات زیر که ظاهر آن در مورد جنگ بدر است که به مسلمانان وعده داده شد که یا بر لشکر مشرکان مکه پیروز می‌شوند یا بر کاروان تجارتی آنها غلبه می‌کنند.

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلِيَ كَرَّةَ الْمُجْرِمُونَ . (نفال / ۷ و ۸)

و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، بالشکر آنان] را وعده داد که آن برای شما باشد؛ و آرزوی کردید که [گروه] غیرمسلح برای شما باشد؛ و آلی [خدای خولهد حق را با کلماتش (وعدههایش) تثبیت کند و دنباله کافران را قطع سازد، تا حق را تثبیت کند و باطل را نابود گرداند؛ و گرچه خلاف کاران ناخشنود باشند.

در احادیث از امام صادق (ع) در مورد تفسیر این آیه پرسش شد، فرمود:

تفسیرها فی الباطن یرید الله فإنه شیئی یریده ولم یفعله بعد، و أما قوله: «لیحق الحق بکلماته» فإنه یعنی لیحق حق آل محمد و أما قوله: «بکلماته» قال: کلماته فی الباطن علی (ع) هو کلمة الله فی الباطن و أما قوله: «و یقطع دابر الکافرین» فهم بنو أمیه هم الکافرون یقطع الله دابرهم و أما قوله: «لیحق الحق» فإنه یعنی لیحق حق آل محمد حین یقول القائم و أما قوله: «و یبطل الباطل» یعنی القائم، فإذا قام یبطل باطل بنی أمیه و ذلک قوله: «لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون». (عیاشی، بی تا: ۲ / ۵۰؛ مجلسی، ۳۸۵: ۲۴ / ۷۸)

تفسیر این آیه را خدا در باطن اراده کرده است که آن چیزی است که اراده شده، ولی هنوز انجام نداده است. پس مقصود از «تحقق حق با کلمات الهی»، یعنی حق آل محمد. و لما مقصود از «کلمات» کلمات الهی در باطن است. علی کلمة الله در باطن است و لما مقصود از «قطع دنباله کافران»، بنی لمیه است که کافرنند و خدا دنباله آنان را قطع می کند. و لما مقصود از «تحقق حق»؛ یعنی حق آل محمد هنگام قیام قائم (ع) تحقق می یابد، لما مقصود از «بطل باطل»؛ یعنی هنگامی که قائم قیام می کند، باطل بنی لمیه را باطل می سازد و این مقصود خدا در آیه «لِیُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ یُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» است.

سه. باطن آیات پیروزی روم و ایران

الم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَذْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ
بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بضعٍ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ
مِن قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ *
بَنَصْرٍ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ.
(روم / ۵ - ۱)

الف لام، میم (سپاه) روم در نزدیکترین سرزمین شکست خورد؛ و ای آنان
بعد از شکستشان در [اظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد، کار [ها] قبل
از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز،
مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند. (خدا) هر کس را
بخوهد (و شایسته بداند)، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] مهوروز است.

در برخی احادیث حکایت شده است که امام صادق (ع) در مورد ذیل آیه «و یومئذ یفرح المؤمنون»، فرمود: «عند قیام قائم». (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱ / ۴۳۴؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۳۱ / ۵۱۶). ایشان در جای دیگری فرمودند: «فی قبورهم بقیام القائم». (طبری، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۵۸)

چهار. رجعت باطن آیه

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ
قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ. (قصص / ۸۵)

قطعاً، کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به سوی بازگشتگاه (مکه)
باز می‌گرداند. بگو: پروردگار من داناتر است به کسی که هدایت آورده و به کسی
که وی در گمراهی آشکار است.

در روایتی از امام باقر (ع) حکایت شده است که فرمود:

خدا رحمت کند جبر را که علم او به جایی رسیده بود که تأویل این آیه را
می‌دانست که رجعت است. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۲ / ۹۹؛ بحرانی، ۳۳۴: ۳ / ۲۳۹)

در این‌گونه روایات، مقصود از بلطن، می‌تواند همان معنایی باشد که علامه محمد مهدادی معرفت در معنای بطن فرمود که با انجام چهار مرحله (به دست آوردن هدف آیه، الغای خصوصیت از آیه، استنباط قاعده کلی از آیه و تطبیق آیه بر مصادیق جدید در هر عصر) صورت می‌گیرد. (معرفت، ۳۸۳: ۱/ ۲۹)

مثلاً در روایت دوم از شأن نزول آیه که مسئله جنگ بدر است، الغای خصوصیت شده و یک قاعده کلی به دست آمده مبنی بر اینکه، اراده الهی بر تحقق حق با کلمات الهی و قطع دنباله کافران است. آنگاه این مطلب بر مصداق کمال آن در زمان امام عصر (ع) تطبیق شده است. تعبیر «یرید» که مضارع است و دلالت بر استمرار اراده خدا به صورت سنت الهی دارد، می‌تواند قرینه این تفسیر بلطنی آیه باشد.

در روایت سوم هم که در مورد جنگ ایران و روم است، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی برای خوشحالی مؤمنان بعد از پیروزی، بر خوشحالی مؤمنان هنگام قیام امام عصر (ع) و پیروزی یاران او تطبیق شده است.

در مورد روایت چهارم نیز که بعد از هجرت پیمبر (ص) از مکه به مدینه، بازگشت دوباره ایشان را به مکه وعده می‌دهد، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی، بر بازگشت مؤمنان در رجعت تطبیق شده است.

۴. آیات مرتبط با مهدویت

مقصود آیاتی است که در احادیث با مسائل و موضوعات مهدویت به گونه‌ای مرتبط شده است؛ اما از نوع تفسیر، تطبیق و تأویل نیست. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یک. تشبیه جریان مهدوی

برخی از احادیثی که ذیل آیات مرتبط با مهدویت مطرح کرده‌اند، نوعی تشبیه و مثال را بیان می‌کند برای نمونه در خصوص آیه ۲۴۹ از سوره بقره از امام صادق (ع) حکایت شده است:

إِنَّ اصْحَابَ طَالُوتَ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ
اللَّهُ تَعَالَى «مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ» وَ إِنَّ اصْحَابَ

القائم یبتلون بمثل ذلک. (مفید، ۴۱۳: ۳۳۰؛ مجلسی، ۳۸۵: ۵۲ / ۳۳۲)

یاران طلوت با (آب خوردن از) نهر آب امتحان شدند؛ همان گونه که خدا فرمود «شما را نهری آزمایش می کنیم» و یاران قائم نیز به مانند آن آزمایش می شوند.

و در مورد آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ؛ (اعراف / ۸۷) درباره ساعت [قیامت] از تو می پرسند»، در روایتی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده است که مثال او (مهدی) مثل ساعت (رستخیز) است که ناگهان می رسد (خزار قمی، ۱۴۰۱: ۲۴۸)

دو. قرآن قرائت قرآن

در برخی احادیث ذیل آیات مهدویت، آثار قرائت قرآن بیان شده است؛ مثلاً از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که هر کس سوره بنی اسرائیل (اسراء) را در هر شب جمعه قرائت کند، نمی میرد تا اینکه قائم را درک کند و از اصحاب حضرت خواهد بود. (عیاشی، بی تا: ۲ / ۲۷۶)

در برخی دیگر از احادیث، آیاتی که امام عصر علیه السلام قرائت می کنند، بیان شده است، از جمله ذیل آیه «فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ؛ (شعراء / ۲۱) و هنگامی که از شما ترسیدم، از بین شما فرار کردم»، از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند، این آیه را تلاوت می کند (مفید، ۴۱۳: ۱۷۹)

این گونه احادیث هر چند با موضوع کلی مهدویت و امام عصر علیه السلام مرتبط اند؛ اما تفسیر، تطبیق یا تأویل آیات به شمار نمی آیند؛ ولی در کتاب هایی که آیات تفسیری مهدویت را ذکر کرده اند، آمده اند (الهیئة العلمية...، ۴۲۸: ۷ / ۶۸، ۳۱۵ و ۴۳۲)

نتیجه

آیات زیادی در قرآن کریم هست که بر اساس روایات پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، به ابعاد مختلف مهدویت اشاره دارند این احادیث گاهی به تفسیر یا تأویل یا بطن یا مصادیق آیات

اشاره دارند و از نظر موضوع نیز به موضوع‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و تاریخی متغدد اشاره دارند.



منابع و مآخذ

۱. آلوسی، ابوالفضل شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۰۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۴.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، *المناقب آل ابی طالب (ع)*، قم، علامه.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۳۸۰، *تفسیر زادالمسیر فی علم تفسیر*، بیروت، دارالکتب العربی.
۴. ابن‌حجام، محمد بن عباس، ۱۴۲۰ ق، *تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی الذبی و آله صلی‌الله‌علیه‌م، قم، دفتر نشر الهادی.*
۵. ابن‌حزبل، احمد، ۱۴۱۵، *مسند احمد*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
۶. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ۲۰۰۰ م، *تفسیر ابن‌کثیر*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۷. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ق، *کشف الغمة فی معرفة الائمة (ع)*، تبریز، مكتبة بني‌هاشمی.
۸. بابایی، علی‌اکبر و دیگران، ۱۳۸۵، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، تهران، سمت.
۹. البحرانی، سید هاشم الحسینی، ۱۳۳۴، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، دارالکتب العلمیة.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۲۱ ق، *الجامع الصحیح (سنن الترمذی)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابوسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم، بیتا، *الكشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)*، [نسخه خطی]، قرن پنجم.
۱۲. —، ۱۴۲۲ ق، *الكشف و البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. حافظ برسی، رجب بن محمد، ۱۲۵۵ ق، *مشارق الانوار الیقین*، [نسخه خطی].
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق،

- المستدرک علی الصحیحین**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۵. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی، ۱۴۰۹ ق، **تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة**، قم، مؤسسة نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسين قم.
۱۶. حویزی عروسی، عبدعلی بن جمعه، ۱۳۸۳ ق، **نور الثقلین**، قم، المطبعة العلمية، الطبعة الثانية.
۱۷. خزار قمي، علي بن محمد، ۱۴۰۱ ق، **کفاية الأثر**، قم، بیدار.
۱۸. ذهبی، محمدحسین، بیتا، **التفسیر و المفسرون**، بیروت، دارالارقم.
۱۹. رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م، **تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۳۳۲، **مفردات اللفاظ القرآن**، تهران، المكتبة الرضوية.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۳، **درآمدی بر تفسیر علمی قرآن**، تهران، اسوه، چ ۲.
۲۲. _____، ۱۳۸۵، **منطق تفسیر قرآن (۲): روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن**، قم، نشر جامعة المصطفی‌صلی الله علیه و آله العالمیة.
۲۳. _____، ۱۳۸۷، **تفسیر قرآن مهر**، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۴. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۷ ق، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۵. شاکر، محمدکاظم، ۱۳۸۲، **مبانی و روش‌های تفسیری**، قم، جامعة المصطفی‌صلی الله علیه و آله العالمیة.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۸ ق، **الفرقان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، الطبعة الثالثة.
۲۷. صادقی، مصطفی، ۱۴۰۳ ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت، دارالفکر.

۲۸. _____ ، ۱۳۸۲ ، «الفتن ابن حماد، قديمي‌ترین کتاب در مهدویت»، **آينه پژوهش**، ش ۸۴.
۲۹. صافي گلپايگاني، لطف‌الله، ۱۳۷۷ / ۱۴۱۹ ق، **منتخب الأثر في الامام الثاني عشر**، قم، مؤسسة السيدة المعصومة عليها السلام.
۳۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علي، ۱۳۹۵ ق، **كمال الدين و تمام النعمة**، قم، دارالکتب الاسلامية، چ ۲.
۳۱. _____ ، ۱۴۱۶ ق، **الخصال**، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
۳۲. طباطبائي، سيد محمدحسين، ۱۳۹۳ ق، **الميزان**، قم، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
۳۳. طبرسي، امين الاسلام ابو علي الفضل بن الحسن، ۱۳۹۵ ق، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، تهران، المكتبة الاسلاميه، الطبعة الخامسة.
۳۴. طبري آملی مازندراني، ۱۳۹۳ ق، **جامع البيان في تفسير القرآن**، بيروت، دار المعرفة.
۳۵. _____ ، ۱۳۸۳ (افست حيدريه نجف)، **دلائل الامامة**، قم، دارالذخائر للمطبوعات.
۳۶. طوسي، محمد بن حسن، بيتا، **الغيبه**، بيتا، بيتا.
۳۷. عياشي، محمد بن مسعود بن عياشي السلمي، بيتا، **كتاب التفسير**، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية.
۳۸. فيض كاشاني، محمدحسن، ۱۴۰۲ ق، **تفسير صافي**، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، الطبعة الثانية.
۳۹. _____ ، ۱۳۶۵، **وافي**، اصفهان، مكتب الامام اميرالمؤمنين علي عليه السلام العامة.
۴۰. قرطبي، ۱۴۰۵ ق، **الجامع لاحكام القرآن**، بيروت، داراحياء التراث العربي، الطبعة الثانية.
۴۱. قمي، علي بن ابراهيم، ۱۴۰۴ ق، **تفسير علي بن ابراهيم القمي**، قم، مؤسسة دارالكتاب، چ ۳.

۴۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم حسینی بلخی، ۱۳۰۸ ق، **ینابیع المودة**، [چاپ سنگی]، طهران، بی‌نا.
۴۳. کاشانی، ملا فتح‌الله، ۱۳۴۶، **تفسیر منهج الصادقین**، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۴۴. **کتاب مقدس**، (شامل تورات و انجیل و کتاب‌های مقدس یهودیان و مسیحیان)، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.
۴۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، **تفسیر فرات الکوفی**، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی.
۴۶. مجلسی، علامه محمدتقی، ۱۳۸۵، **بحار الانوار**، تهران، المكتبة الاسلامیة.
۴۷. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، **التفسیر و المفسرون**، قم، مؤسسة التمهید.
۴۸. _____، ۱۳۸۳، **التفسیر الاثری الجامع**، قم، مؤسسة التمهید.
۴۹. _____، ۱۴۱۷ ق، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، **الغیبة (اربع رسالت فی الغیبة)**، قم، کنگره جهانی هزاره مفید قم، ج ۲.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۶۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۵۲. میبدي، احمد بن محمد، ۱۳۷۶، **کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)**، تهران، امیرکبیر.
۵۳. هیئة العلمیة فی مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸ ق، **معجم احادیث الامام المهدي (عج)**، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة مسجد جمکران.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی